

## جستاری در فضائل و مناقب حضرت احمد بن موسی<sup>(ع)</sup>

فاطمه معتمدلنگرودی<sup>۱</sup>

### چکیده

بررسی و بازشناسی فضایل و مناقب ائمه و امامزادگان<sup>(ع)</sup>، از ضروریات جامعه بشری است تا با دستیابی به رفتارها و منش این بزرگواران در جهت وصول به الگویی جامع برای سعادت و نیک فرجامی انسان‌ها گامی پیموده شود. در همین راستا، در این پژوهش سیر زندگی حضرت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از فرزندان امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و برادر امام رضا<sup>(ع)</sup> مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته تا با بازخوانی فضائل و مناقب ایشان نقش وی در گستره تمدن عظیم اسلامی بازشناخته شود. از این رو، نظر به تأثیرگذاری ایشان بر ارتقای فرهنگ اسلامی، تبیین خط مشی‌های ترسیم شده توسط صاحبان کتب تاریخی و رجالی را دارای ضرورت می‌گرداند. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین فضائل و مناقب احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و جایگاه ایشان در توسعه فرهنگ شیعی در تمدن اسلامی است. یافته‌های پژوهش مبتنی بر آن است که احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> با دارا بودن فضائل و مناقب اخلاقی و نسبی بسیار، با بهره‌مندی از مکتب امامت پدر و برادر بزرگوارشان در تبیین جایگاه امامت علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> گامی اساسی برداشت و با دستگیری از نیازمندان در جهت اشاعه مکتب خیرخواهی اهل بیت<sup>(ع)</sup> و مبارزه با جریان‌های انحرافی به ایفای نقش در جهت اشاعه فرهنگ ناب شیعی در جامعه اسلامی گام‌های مؤثری برداشتند.

کلیدواژه: احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>، امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup>، تمدن اسلامی، فضائل و مناقب، امامت.

## مقدمه

انسان به صورت فطری خواستار رشد، کمال و هدایت به سوی بهترین‌ها است و هر روز از پروردگارش می‌خواهد: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد/ ۶) و در این میان معصومان<sup>(ع)</sup> به مقتضای حدیث ثقلین، همچون قرآن کریم، چراغ هدایت و کشتی نجاتند و جامعه بشری باید در تمام اعصار و کل امور از این راهنمایان الهی پیروی و سیره آنان را به عنوان روشن‌ترین مسلک انتخاب کند و با عمل به آن، راه حق و صراط مستقیم را پیماید.

فرزندان و نوادگان امامان معصوم<sup>(ع)</sup> نیز به دلیل تربیت الهی و نوشیدن جرعه معرفت از سرچشمه هدایت، زندگانی با فضیلت و پرمغیبتی داشته‌اند. اگرچه این بزرگواران، معصوم نبوده‌اند؛ ولی با تربیتی الهی و تقوایی استوار، از گناهان دوری جسته و شبه معصوم زندگی کرده‌اند. از این رو بررسی و تحقیق درباره زندگانی این بزرگواران و آشنایی با سیره رفتاری هر یک از آنان نیز می‌تواند ما را در دست یابی به الگویی همه جانبه یاری کرده و از سایر فرهنگ‌ها و الگوهای ناقص برگرفته از فرهنگ غربیان، بی‌نیاز نماید.

احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> نیز یکی از امامزادگان صاحب جلال و دارای صفات عالی اخلاقی است که حضور ایشان در کشور ایران و مدفون شدن ایشان در شهر شیراز، بهانه‌ای برای پرداختن به زندگانی و بررسی فضایل و مناقب ایشان شده است؛ ولی درباره زندگانی و شخصیت ایشان در متون و منابع اطلاعات اندکی وجود دارد، لذا تبیین همه ابعاد زندگی و شخصیت ایشان به راحتی مقدور نیست؛ با این وجود، در این مقاله با توجه به روایات موجود و تحلیل روایات، در صدد بازشناسی و ارائه تصویری نو از فضائل و مناقب آن بزرگوار هستیم.

**پرسش‌های پژوهش:** در این بررسی به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. زیست نامه سیاسی و فرهنگی احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> براساس منابع و مستندات چگونه بوده است؟
۲. فضائل و مناقب آن حضرت با توجه به داده‌های روایی و تاریخی کدام است؟

**ضرورت انجام پژوهش:** ضرورت این تحقیق از آنجا نشأت می‌گیرد که وجود مدفن امامزادگان عظیم الشان در جای جای ایران اسلامی، مأمنی مناسب جهت کسب امنیت و آرامش روحی و روانی، درمان آلام جسمی، توسل و اظهار ارادت و محبت به مقام شامخ اهل بیت منتسب به خاندان رسول‌الله<sup>(ص)</sup>

بوده و از این رو شناخت فضائل و مناقب این بزرگواران در برقراری بهتر ارتباط روحی با خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> به طرز شگفت‌انگیزی مؤثر هست.

**هدف پژوهش:** هدف از انجام این پژوهش شناخت و درک بهتر از شخص احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> و فضائل و مناقب ایشان در منابع اسلامی و تألیفات ارزشمند و مستند است تا موجب آشنایی بهتر و درک صحیح‌تر از امامزادگان واجب‌التعظیم و عظیم‌القدر به فرمایش مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> باشد.

**روش پژوهش:** روش انجام این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از تمام منابع اسلامی موجود شامل منابع روایی، انساب‌نگاری، تاریخی و ... است. بدین نحو که ابتدا اطلاعات مرتبط به موضوع از منابع استخراج و سپس با دسته‌بندی و تحلیل منطقی به رشته نگارش درآمده است.

**پیشینه پژوهش:** گفتنی است با توجه به جست و جو در پایگاه‌های اطلاعاتی موجود در اینترنت نظیر (نورمگز، کتابخانه ملی، اداره اوقاف و امور خیریه و ... ) اطلاعات زیر بدست آمد. آثاری از کلاتری (۱۳۹۰) و محمدحسین رستگار (۱۳۹۰) که به توصیف نسب و سیر زندگانی احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> و ورود وی به ایران و شهر شیراز پرداخته‌اند. در ادامه جلیل عرفان‌منش نیز در سه اثر خویش تحت عناوین «چلچراغ شیراز: تحلیلی از قیام احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> و برادران امام رضا<sup>(ع)</sup>»، «زندگی و قیام احمد بن موسی<sup>(ع)</sup>» و «مهاجران موسوی» به بررسی روند زندگانی سیاسی، اجتماعی و عبادی شاهچراغ و نیز مهاجرت احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> به ایران و جنگ‌های وی با عمال عباسی و تأثیرات قیام وی به عنوان یکی از افراد شاخص اهل بیت<sup>(ع)</sup> در منطقه می‌پردازد.

اثری در قالب پایان‌نامه از هاجر راستی (۱۳۹۰) یافت شد که به بررسی علل و آثار هجرت حضرت احمد بن موسی شاهچراغ<sup>(ع)</sup> به شیراز پرداخته است. همچنین مقالاتی از سیدداسین زاهدی، از حسین قرچانلو و سمانه شاهرودی و روح‌الله آدینه بدست آمد که به بررسی نسب احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> و سیر اقدامات وی پرداخته‌اند که بیشتر حالت جمع‌آوری مطالب قبلی را دارد. اثر قابل‌تأمل دیگر از ام‌البنین چابکی و فاطمه خادمی (۱۳۹۷) می‌باشد که با رویکرد سیاسی به بررسی جریان قیام احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> پرداخته است. در ادامه آثار دیگری از نجمه رضوی و راضیه سادات شکوفه چین (۱۳۹۷) حاصل شد که با توجه به تعاریف سبک زندگی نحوه قیام و حرکت احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> را بررسی و تحلیل کرده است و در

آخر اثر علیرضا بهادری جهرمی (۱۳۹۷) است که با توجه به منابع و تحقیقات جدید به بررسی سیر حوادث مهم تاریخی و وضعیت فرهنگی دوران احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> شاه چراغ پرداخته است. بنابراین آنچه که از مجموعه پیشینه‌های یافت شده بدست آمد آن است که اکثر این آثار، از بعد سیاسی و فرهنگی به بررسی شخصیت و عملکرد شخص احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> معروف به شاهچراغ پرداخته اند و از منظر بررسی فضائل و مناقب آن بزرگوار قلم فرسایی نکرده اند.

از اینرو با توجه به ضرورت شناخت فضائل و مناقب این امامزاده عظیم الشان، احساس شده که این امر، مستلزم انجام یک پژوهش علمی و مستند براساس منابع و مأخذ مستند، علمی و معتبر تاریخی، روایی و ... است و بر آنیم تا عظمت و بزرگی این شخص را به همگان شناسانده و قدمی در گسترش فرهنگ زیارت در میان شیعیان و عاشقان به خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> برداریم و از این منظر که به عنوان الگو و شاخصه‌ای مورد توجه قرار گرفته و مورد استفاده مردم قرار بگیرد، دارای رویکرد نوآورانه است.

## • زیست نامه

### ۱- مشخصات فردی احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>

نام ایشان در کتب انساب و مزارات، احمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۸۳/۱ و ۸۴؛ جنیدشیرازی، ۱۳۲۸: ۲۸۹؛ شبستری، ۱۴۰۹ق: ۵۹) ذکر شده که این امر نشان دهنده آن است؛ ایشان از خاندان رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و فرزند بلافصل امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> امام هفتم شیعیان می‌باشد.

در این بخش مشخصات فردی از جمله نام پدر، مادر، فرزندان و محل دفن این بزرگوار مورد تبیین قرار می‌گیرد.

### ۱-۱- نام پدر

در تمام کتب تاریخی و روایی، احمد را فرزند بلافصل امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۴/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲۳۶/۲؛ قمی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۹/۸؛ نجف، ۱۴۰۷ق: ۱۰۲)، امام هفتم شیعیان ذکر کرده‌اند که تردیدی در این امر وجود ندارد. امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> اولاد بسیاری داشتند که مصداق ظهور کوثر وعده داده شده پروردگار به پیامبرش می‌باشد. در این زمینه، نقل‌های متفاوتی درباره تعداد آنها وجود دارد که برخی تعداد آنها را تا شصت نفر، سی و هفت دختر و بیست و سه پسر نیز دانسته‌اند؛ ولی اکثر مورخین بر سی و هفت یا سی و هشت فرزند تأکید نموده‌اند. به عقیده شیخ مفید، امام موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> دارای سی و هفت فرزند بوده‌اند،

هجده تن پسر و نوزده تن دختر که نام آنان بدین شرح است: حضرت علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup>، ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل، جعفر، هارون، احمد، محمد، حمزه، عبدالله، اسحاق، عبدالله، زید، حسین، فضل، سلیمان، فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، حکیمه، ام اییها، رقیه: صغری، کلثوم، ام جعفر، لبانه، زینب، خدیجه، علیه، آمنه، حسنه، بریهه، عایشه، ام سلمه، میمونه و ام کلثوم (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲/۲۴۴؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۹؛ طبری، ۱۳۹۰ق: ۳۱۲) و به عقیده ابن شهرآشوب، اولاد آن حضرت سی نفرند (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق: ۴/۳۲۴). در میان اسامی مذکور نام مبارک امام رضا<sup>(ع)</sup> و فاطمه کبری<sup>(س)</sup> ملقب به حضرت معصومه و احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> از برجستگی خاصی برخوردار هستند که در کتب مشهور روایی و تاریخی بدان اشاره شده است.

## ۲-۱- نام مادر

با توجه به متون روایی، مادر آن حضرت، «امّ ولد» بوده که بعدها به دلیل علو مقام و لیاقتی که از خود نشان داد، ملقب به «امّ احمد» گردید و ملقب به «امّ حمیده» نیز بوده است (طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۳۷۳؛ کلاتری، ۱۳۹۰: ۱۵). امّ احمد زنی بسیار محترم بود که امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> به وی توجه داشت و زمانی که امام را از مدینه به بغداد بردند، ودائع امامت را به ایشان سپرد و فرمود: هرکس که به طلب این ودائع بیاید به او بده و بدان این امر زمانی است که من به شهادت رسیده‌ام و او خلیفه و جانشین من است و امام واجب الإطاعه می‌باشد و اطاعت از او بر تو و سایر مردم، امری واجب است و پسرش امام رضا<sup>(ع)</sup> را مسئول امور خانواده کرد. پس زمانی که هارون او را در بغداد مسموم کرد و به شهادت رساند؛ امام رضا<sup>(ع)</sup> به نزدش آمد و امانت را طلب نمود. پس امّ احمد به او گفت پدرت به شهادت رسیده است؟ امام در جواب فرمود: بله و الان از دفن او فارغ شدم، پس ودائع امامت را به من بده و بدان که من خلیفه و امام حق بر تمام جن و انس هستم. سپس ام احمد ناله زد و امامت را به او داد و با او به امامت بیعت نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۷/۴۸ و ۳۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳/۳۶۷؛ شریف قرشی، ۱۳۶۹: ۲/۴۷۰). بر اساس این سخن، امّ احمد دارای لیاقت و ورع و تقوایی بود که شایسته نگهداری امانت امام شده و مخزن اسرار امامت را نزد خود نگه داشت.

از اینرو منابع متفق القولند که این بانو به دلیل لیاقت و دینداری خاص خود، لیاقت همسری امام کاظم<sup>(ع)</sup> را یافت و مادر سه فرزند امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> یعنی احمد، محمد و حمزه گردید (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲/۲۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۲/۴۸؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۷۴۵).

## ۳-۱- تاریخ تولّد و تحرّال

از تاریخ تولد وی در هیچ کتب تاریخی و روایی اشاره‌ای نشده است (زاهدی، ۱۳۹۱: ۲۰۴) و لذا نمی‌توان

تاریخی مشخص معین نمود. لیکن در باب نحوه شهادت ایشان منابع معترف‌اند که احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> مابین سال‌های ۲۰۰-۲۰۳ق، مدتی پس از ورود امام رضا<sup>(ع)</sup> به خطه خراسان، به همراه هفت یا ششصد هزار نفر از بزرگان خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> و شیعیان مطیع خط ولایت اهل بیت<sup>(ع)</sup>، عزم سفر به آن ناحیه را نمود. پس به جهت آن که خدمت برادرش برسد؛ وارد ایران شد. اما در نزدیکی شیراز با قتلغ خان فرمانروای شیراز از طرف مأمون که برای دفع ایشان آمده بود؛ در محلی به نام «خان زینان» که هشت فرسخ از شیراز فاصله دارد، روبرو گردید. سپس بین دو طرف جنگ درگرفت. یکی از سپاهیان قتلغ گفت: اگر منظور شما رسیدن خدمت امام رضا<sup>(ع)</sup> است، او وفات یافته است. پس چون اطرافیان احمد این حرف را شنیدند از اطراف او پراکنده شدند و تنها چند نفر از بستگان و برادرانش باقی ماندند. در این هنگام که امکان بازگشت وجود نداشت، رو به شیراز کرده؛ لیکن لشکریان والی شیراز، ایشان را تعقیب کردند و در محلی که دفن شده او را کشتند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۷/۴۸). اما شریف قرشی در کتاب خود، ذکر کرده که احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> به اجل طبیعی مرده و این امر پس از شهادت برادرش امام رضا<sup>(ع)</sup> بوده است (شریف قرشی، ۱۳۶۹: ۴۷۲/۲). لیکن با توجه به گفته محدثان در باب شهادت و پنهان ماندن مزار شریفشان تا مدت‌ها، این امر بیانگر آن است که ایشان توسط عمال عباسی به شهادت رسیده‌اند.

#### ۴-۱- اعقاب (نسل) احمد بن موسی<sup>(ع)</sup>

از اعقاب احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> سه پسر به نام‌های سلیمان، فضل و محمد بوده که فرزند ذکور نداشته و تنها دختر داشته‌اند (روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۷۴/۱). بنابراین براساس منابع موجود، قدیمی‌ترین منبع که ایشان را بدون فرزند پسر ذکر کرده، ابونصر بخاری و علی بن محمد علوی عمری می‌باشند (بخاری، ۱۳۸۱ق: ۳۷؛ عمری نسابه، ۱۴۰۹ق: ۱۳۵). لیکن با توجه به کنیه ابو محمد که حکایت از صاحب فرزند بودن ایشان دارد و ابن شدم وی را دارای چهار پسر محمد، علی، عبدالله و داود دانسته و سپس از میان پسران محمد و علی را برخوردار از نسل طولانی ذکر می‌کند (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۸). برخی دیگر برای ایشان نوادگانی ذکر کرده‌اند که هر کدامشان در زمینه نشر علوم و فرهنگ اسلامی در تمام نقاط اسلامی از حجاز تا عراق و ایران گام‌های مؤثری برداشتند. از جمله اینان ابوجعفر عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن موسی بن احمد بن موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> است که دارای مکتب مالی و وجاهت سیاسی در سرزمین نیشابور (خراسان) بوده و با بزرگان و اعیان دولت سامانیان ارتباط نزدیکی داشته و مورد عنایت خاص و عام بوده و سرانجام نیز در همانجا وفات یافت (ناصح جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۶۲). وی آثاری در زمینه علم نسب شناسی، شناخت ادیان و فرق، فقه و ... تألیف نموده است که از جمله آنان أنساب آل الرسول و أبناء البتول، فی الحلال و الحرام، الأدیان و الملل می‌باشد؛ (امین، ۱۴۰۶ق: ۱۹۲/۳؛ افتدی اصفهانی، ۱۴۰۱ق: ۳۰۵/۳) گرچه اثری از این کتب باقی نمانده است. از دیگر سادات منتسب به احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> می‌توان به خاندان سادات حویزی،

نهبانندی، شیرازی، کاشفی، آل طعمه، شاه چراغی و ... اشاره کرد (روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۱۹/۱ و ۷۴؛ کلاتتری، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۱۲۰).

## ۵-۱- مدفن حضرت احمد بن موسی<sup>(ع)</sup>

ایشان پس از جنگ با سپاهیان قتلغ خان والی منصوب از سوی مأمون عباسی بر شیراز بین سال های ۲۰۰-۲۰۳ق، به شهادت رسید و بنا به قول مشهور، در شیراز مدفون گشت. البته در باب آشکار شدن قبر ایشان در شیراز دو نظریه وجود دارد:

۱) برخی منابع، اکتشاف قبر او را به زمان عضالدوله دیلمی نسبت داده‌اند و حکایت شاهچراغ را ناشی از ساطع شدن نوری از محل جسد در زمان عضالدوله دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۱/۷) و عضالدوله به اشارهٔ علما و شیوخ اهل بیت<sup>(ع)</sup> آنجا را شکافت و ابو عبدالله محمد بن خفیف از بزرگان اسلامی مقیم شیراز را به درون سرداب فرستاد و او نیز به صخره‌ای رسید که جسد سالم و بدون تغییر و تازه‌ای را یافت که در دست جسد، انگشتی بود که به نام احمد بن موسی نام داشت و پس از آن بر روی قبر مرقد و بارگاهی ساختند (رستگار، ۱۳۹۰: ۱۷ و ۱۸).

۲) قبر احمد بن موسی تا زمان امیر مقرب الدین ابوالمفاخر مسعود بن بدر یکی از وزرای اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی مخفی بود، تا اینکه در پی ساخت بنایی برای خود بوده که در این زمان آشکار و از روی بدن سالم و بدون تغییر آن حضرت و نیز انگشتی آن بزرگوار که منقوش به «العزّه لله احمد بن موسی» بود، شناسایی گردید. پس از این اتفاق، گنبد و رواق آن در زمان اتابک ابوبکر ساخته شد و سپس در زمان تاشی خاتون مادر شاه ابواسحاق در سال ۷۴۵ ق رواق و گنبد آن تعمیر اساسی یافت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۹/۴۸؛ جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۸۹ و ۲۹۰؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۱۱۸۶/۲؛ روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۷۶/۱).

باید گفت به طور کلی، شش قول در باب مکان مزار احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> مطرح است:

الف) شیراز که قول مشهور فقها و مورخان بر آن تأکید دارد.

ب) بلخ (ج) لرستان (د) تفرش: در روستایی کویین (کوهین)

و) مابین اسفراین و کویر مجاور آن: در ۴۰ کیلومتری غرب اسفراین و در هشت کیلومتری جنوب غرب روستای کوران

خ) به قول مامقانی در جوار پدرش در صحن شریف کاظمین (روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۷۶/۱)

به نظر می‌رسد اگر امامزادگان به ایران نیامده بودند، مردم ایران همچنان اهل سنت باقی بودند. چنان چه که بیشتر مردم ایران پیش از دوران حکومت صفویان سنی بودند؛ لیکن باتوجه به مهاجرت سادات علوی

به مناطق مختلف ایران، مردم شمال ایران و پس از آن شهر ری، قم و اطراف آن و نیز منطقه شیراز به واسطه دولت قدرتمند عضدالدوله دیلمی و حضور اندیشمندان بزرگ شیعی، به شیعیان پیوستند و محلی امن برای اقامت و گسترش کلام اهل بیت و نسل سادات علوی و شیعیان خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> گردید؛ زیرا این امامزادگان برای زنده نگاه داشتن نام و یاد امامان معصوم<sup>(ع)</sup> تا پای جان کوشیدند و بسیاری از آنان در این راه شهید شدند تا به برکت تلاش‌های اینان ایران زمین، مرکز تشیع و کانون محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۱ و ۲۴۲). از اینرو مشاهده می‌شود که با توجه به متون تاریخی ذکر شده، محل دفن امامزاده احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از اوایل قرن هشتم آشکار شده و بر روی مضجع شریف‌شان بارگاهی ساخته شد و مردم از اطراف و اکناف نذر نموده و بدان اعتقادی خاص داشتند و امروزه بیش از هفت قرن است که این محل به عنوان مرقد پاک احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> میان مورخان چون ابن بطوطه رحله نگار، روضانی نسب نگار و ...، محدثانی چون مجلسی و شعرای مشهور ایرانی قرن هشتم به بعد چون زرکوب شیرازی، اوحدی اصفهانی، سیدنظام الدین شاه داعی شیرازی، منصور حافظ شیرازی و ... شناخته شده است (مرادی، ۱۳۹۵: ۷۲-۹۴).

## ۲- اوضاع سیاسی و فرهنگی احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>

پس از مرگ هارون الرشید در خراسان و باقی ماندن مأمون عباسی بر اثر توصیه‌های فضل بن سهل در مرو، برادرش امین که از مادری عرب نژاد بود، به حکومت رسید؛ لیکن بر اثر بی‌کفایتی در امر حکومتی، توسط سرداران چون طاهر بن حسین و هرثمه بن اعین کشته شد و قدرت سیاسی به مأمون منتقل شد. در این بین مأمون برای آنکه رقبای مقابل خود چون خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> را که داعیه قدرت داشتند، سرکوب نموده و این قائله را بخواباند، تصمیم گرفت تا امام رضا<sup>(ع)</sup> را به خراسان آورد (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۳۰ و ۶۷) و سرانجام بر این کار در سال ۲۰۰ق (پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱/۱) موفق گردید؛ لیکن پس از مدتی چون اقدامات مأمون نتوانست جلوی اقدامات شیعیان را بگیرد؛ دست به اقداماتی چون اعمال شکنجه، دستگیری، قتل و ایجاد ناامنی در حجاز و عراق و آزار شیعیان زد؛ لذا عده بسیاری از فرزندان و نوادگان امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و شیعیان ایشان به سرپرستی احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> به قصد دیدار امام رضا<sup>(ع)</sup> راهی خراسان شدند تا اینکه در نزدیکی شیراز، مابین سال‌های ۲۰۱-۲۰۳ق (از زمان پذیرش ولایتعهدی تا قبل از ماه صفر سال ۲۰۳ق)، پس از اطلاع یافتن بر شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> و با انگیزه آگاه شدن از توطئه قتل امام و یاری کردن به وی در دفع توطئه‌های مأمون، با سپاه عباسی نبرد جانانه نموده و سرانجام به دست والی شیراز قتل خان، همراه برادرش محمد و یارانش به شهادت رسیدند و عده بسیاری نیز فرار کردند و در جاهای دیگر سرزمین ایران به شهادت رسیدند و یا زندگی مخفیانه‌ای داشتند (مجلسی،



۱۴۰۳ق: ۳۰۸/۴۸؛ عرفان منش، ۱۳۹۲: ۴۷؛ شبستری، ۱۴۰۹ق: ۶۰؛ مرتضی عاملی، ۱۳۵۹: ۲۱۳-۲۱۵). لیکن قول دومی نیز در باب زمان شهادت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> وجود دارد؛ مبنی بر اینکه در بین سالهای ۲۱۸-۲۰۳ق بعد از شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> تا زمان مرگ مأمون، با انگیزه احیای سنت عدالتخواهی و خونخواهی صورت گرفته است. بنابراین نقل، زمان شهادت احمدبن موسی بعد از شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> بوده است؛ چرا که احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> به همراه یارانش در پی خونخواهی از برادرش امام رضا<sup>(ع)</sup> و برپایی عدالت و قسط در میان مردم و جلوگیری از ظلم عباسیان دست به این حرکت مسلحانه زد (عرفان منش، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۲۰).

### ۳- فضایل و مناقب حضرت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>

بسیاری از امامزادگان از جمله فرزندان حضرت موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> دارای فضل و برتری مشهودی هستند که با تربیتی صحیح و درست برخاسته از مهبط وحی و اطاعت از خدای متعال، خود را به کمال رسانیده‌اند؛ شیخ مفید و دیگر محدثان، درباره فضیلت و بزرگواری فرزندان امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> چنین می‌نویسند: «و لَکُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلَادِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى<sup>(ع)</sup> فَضْلٌ وَ مَنْقَبَةٌ مَشْهُورَةٌ وَ كَانَ الرِّضَاعُ الْمُقَدَّمُ عَلَيْهِمْ فِي الْفَضْلِ حَسَبَ مَا ذُكِرْنَاهُ : و برای هر یک از فرزندان ابوالحسن موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> فضل و منقبتی مشهور است و در این میان امام رضا<sup>(ع)</sup> مقدم در فضائل و مناقب بر دیگران است» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲/۲۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۸/۴۸) و در میان محققان، شخص احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> بعد از برادرش امام رضا<sup>(ع)</sup>، از محبوبیت خاصی در میان اعضای خانواده اش داشته است (فسایی، ۱۳۸۲: ۱۱۸۶/۲؛ شبستری، ۱۴۰۹ق: ۵۹) و به ظاهر احمد به عنوان یکی از پنج نفر اوصیای امام کاظم<sup>(ع)</sup> انتخاب شده بود (شریف قرشی، ۱۳۶۹: ۲/۴۷۰؛ نجف، ۱۴۰۷ق: ۱۰۳ و ۱۰۲؛ زاهدی، ۱۳۹۱: ۲۰۴).

حضرت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از چهره‌های برجسته و امامزادگان والامقامی هستند که همه روایات و اطلاعات موجود در منابع روایی، تاریخی و انساب، دلالت بر علم، فضل، بخشندگی، دلیری، پارسایی و کمال فکری و عملی ایشان دارد؛ چراکه ایشان در بهترین خانواده (مهبط امامت) رشد کرده، تربیت یافته و با حضور در خانه امامت و بهره‌مندی از تعالیم پدر بزرگوارشان امام کاظم<sup>(ع)</sup> و برادرشان امام رضا<sup>(ع)</sup>، به فضایل بی شماری دست یافته است و نام مبارک ایشان یعنی «احمد» نیز این فضایل را در ذهن هر انسان اندیشمند و آگاهی، تداعی می‌کند.

ابومحمد احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> معروف به سیدالسادات و شاهچراغ (روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۷۲/۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۹/۷؛ شبستری، ۱۴۰۹ق: ۵۹)، مردی کریم، صاحب جلال، بزرگوار و پارسا بوده و حضرت موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> او را دوست داشت و بر دیگران مقدم می‌داشت و این عشق و علاقه پدر به فرزند به

حدی بود که امام مزرعه معروف خود در اطراف مدینه در جایی به نام "یسیره" را به او بخشید و جریان اعطای این باغ به احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از لسان راوی ماجرا اسماعیل، از برادران احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>، چنین بیان شده است: «پدرم با فرزندان خود از مدینه به سوی برخی از املاک خود بیرون رفت و اسماعیل نام آن ملک را برد ولی یحیی (جد حسن بن محمد راوی حدیث) نام آن را فراموش کرد، اسماعیل گوید: ما در آنجا بودیم و با احمدبن موسی بیست تن از خدم و حشم پدرم بودند که اگر احمد برمی خاست آنان با او برمی خاستند، و اگر احمد بجای می نشست آنان نیز با او می نشستند (یعنی گوش به فرمان و پیرو او بودند) و از آن گذشته پدرم نیز پیوسته نظرش به او بود و از او غفلت نداشت، و ما از آنجا بازنگشتیم تا هنگامی که احمد از میان ما کوچ کرد و برفت آنگاه ما نیز از آنجا رفتیم» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ طبری املی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸، ص ۲۸۷). این واقعه دلالت بر این امر دارد که احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> مورد توجه و احترام پدر و خاندان و اقربای خویش بوده و از وجاهت اجتماعی در جامعه برخوردار بوده است.

گذشته از تربیت در دامان امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و ام احمد، ایشان به دلیل هدایت مردم به سوی امام رضا<sup>(ع)</sup> و جلوگیری از تشکیل فرقه‌های انحرافی و هدایت مردم به امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> و امام جواد<sup>(ع)</sup> از احترام و موقعیت خاصی نزد شیعیان برخوردار است تا حدی که قبر شریفشان امروزه زیارتگاه عاشقان و مشتاقان اهل بیت<sup>(ع)</sup> می‌باشد. در این بخش فضایل این بزرگوار در حدّثوان مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

### ۳-۱- احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> حامی ولایت و پیشرو به سمت امام رضا<sup>(ع)</sup>

احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در تمام دوران زندگانی خود تابع ولایت و امامت زمان خود یعنی امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> بودند که این امر را می‌توان از احترام ویژه این امامان نسبت به احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> درک نمود.

فرقه زیدیه که از شروط امامت را، قیام به سیف (شمشیر) و خروج بر حاکمان ستمگر عباسی در برابر تقیه امامیه می‌دانند، به دلیل نقل کشی مبنی بر شرکت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در قیام ابوالسرایا (کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۷۲؛ روضاتی، ۱۳۷۶ق: ۷۲/۱؛ نجف، ۱۴۰۷ق: ۱۰۳) و تفکر ایشان در باب قیام علنی بر علیه ظلم و جور حاکمان عباسی (انگیزه سیاسی) و نیز براساس باورهای اعتقادی و فضائل شخصی شخص احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> چون اخلاق علمی و معنوی و دارا بودن صفاتی چون خداترسی، ورع و پارسایی و زهد، معتقد به امامت احمدبن موسی بودند (زاهدی، ۱۳۹۱: ۲۱۰)؛ لیکن براساس کتب کلامی و روایی آمده است که: پس از شهادت امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> طایفه امامیه بنا بر قرائن موجود، به امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> و سپس به امامت ابوجعفر محمدبن علی<sup>(ع)</sup> که کودکی هفت ساله بود، اقرار نمودند. لیکن برخی از طایفه امامیه در امر امامت، اختلاف پیدا کرده و لذا به سه فرقه تقسیم شدند:

۱- فرقه ای به امامت ابوجعفر محمد بن علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> معتقد شدند و ایشان را به زعامت دینی و مذهبی خود پذیرفتند که بدانها شیعه قطعیه (دوازده امامی = اثنی عشری) می‌گفتند که از کثرت جمعیت در مقابل فرق دیگر، برخوردار بودند.

۲- دسته دوم که به امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> معتقد بودند، از عقیده خود برگشته و نص امامت را مبنی بر امامت فرزند خردسالشان رد کردند و پس از شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> توقف کرده و ایشان را مهدی موعود دانسته‌اند که روزی برمی‌گردد و جهان را اصلاح می‌نماید. بدین گروه واقفیه می‌گفتند.

۳- دسته سوم به امامت احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> اعتقاد یافته و معتقد بودند که پس از امام رضا<sup>(ع)</sup> چون فرزند خردسال نمی‌تواند امامت کند، از میان برادران امام رضا<sup>(ع)</sup>، احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> را که از حیث زهد، ورع و ایمان از بقیه سرآمد بود را به امامت برگزیدند.

از این میان، شیعیان معتقد بودند که به علت صغر سن، گفته‌اند که جایز نیست امام طفل باشد؛ چرا که به سن بلوغ نرسیده است. از طرفی امام رضا<sup>(ع)</sup> در زمان حیات خویش، به سن کم فرزندان اشاره کرده و بنا بر آیات قرآن امامت فرزند خویش را به بزرگان شیعه اعلام نموده بود و بر درستی حرف امام آیات سوره مریم صحه گذاشته، آنجا که حق تعالی می‌فرماید: «قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهَدِ صَبِيًّا قَالَ إِنَّي عَبْدُ اللَّهِ أَنَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۹ و ۴۰) که به سخن گفتن عیسی<sup>(ع)</sup> در گهواره اشاره دارد و «وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (مریم: ۱۲) که به یحیی نبی<sup>(ع)</sup> اشاره دارد که هر دو در سن خردسالی به کتاب و نبوت دست یافته‌اند و اینکه امام علی<sup>(ع)</sup> در کودکی به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> ایمان آورد و در ماجرای مباحله نیز امام حسن و امام حسین<sup>(ع)</sup> هر دو شرکت داشتند؛ درحالی که طفل بودند. لذا خلق معجزه در جهت اثبات امامت و ولایت امام محمد بن علی<sup>(ع)</sup> از سوی پروردگار کاری ندارد و خداوند به هر که بخواهد علم می‌دهد. کما اینکه وی طفل در گهواره یا پیرمرد هشتادساله باشد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۵ و ۳۱۶). در این زمان بود که با آمدن خیل عظیمی از شیعیان نزد احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> ایشان با قاطعیت، تابع امر امام ایستاد و مردم را به فرزند برادرش امام جواد<sup>(ع)</sup> هدایت و راهنمایی نمود. از سوی دیگر این افتراق در میان امامیه را پس از شهادت امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> در رجب سال ۱۸۳ق دانسته‌اند که مردم در مدینه بر در خانه ام احمد جمع شدند و احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> همراه آنان به سوی مسجد آمد و چون وی را شخصی صاحب جلال و وجهه‌ای دینی و عبادی و دارای کرامات مشاهده کردند، گمان کردند که او امام بعد از پدرش است؛ لذا با او به امامت بیعت کردند. پس احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> از آنان بیعت گرفت و بر بالای منبر رفت و خطبه‌ایی در نهایت بلاغت و فصاحت خواند و گفت: ای مردم! همانا شما با من بیعت کردید و من نیز در بیعت برادرم علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> هستم و بدانید او امام و خلیفه بعد از پدرم است و او ولی خداست و بر من و شما واجب است که هر آنچه او به ما امر کرد، اطاعت کنیم و تمام کسانی که حاضر بودند، تسلیم گفته‌اند او شده

و پس از خطبه همگی از مسجد خارج شدند؛ در حالیکه پیشاپیش آنان احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> بود و بر در خانه امام رضا<sup>(ع)</sup> حاضر شدند و با او بیعت کردند و بر امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> اعتراف نمودند. سپس امام رضا<sup>(ع)</sup> برای او و دیگران دعا کرد و پس از این واقعه، او در خدمت برادرش بود (مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۳۰۸/۴۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۰/۷؛ رستگار، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴). گرچه بعدها عده‌ایی فرقه‌ای به نام احمدیه را به وی منسوب ساختند (شبستری، ۱۴۰۹:ق: ۶۰).

از این قضیه برداشت می‌شود که اولاً: این آقا تابع ولایت و رهبری امام زمان خویش (امام موسی کاظم و امام رضا<sup>(ع)</sup>) بوده و این قرابت و نزدیکی ایشان به امام رضا<sup>(ع)</sup> و برخورد همراه با ادب و احترام نسبت به ولی امر خود، نشان دهنده معرفت عمیق ایشان نسبت به این مقام الهی است، ثانیاً شجاعت و وجاهت علمی و عملی این آقا جلب توجه می‌کند؛ چرا که ایشان تحت سرپرستی امام زمان خویش رشد کرده و به معنای واقعی کلمه نه تنها خود؛ بلکه مردم را به امام زمان خویش نزدیک کردند و باعث هدایت مردم گردیدند.

### ۳-۲- وصول به کمال اخلاقی و عملی در علوم و معارف اسلامی

انس و صمیمیت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> با برادر بزرگوارشان امام رضا<sup>(ع)</sup> در روایات به روشنی دیده می‌شود؛ چنانکه در متون تاریخی و روایی ذکر شده که احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> بر اثر تهذیب نفس به اوج کمالات اخلاقی و عملی در علوم اسلامی به ویژه علم قرائت و تفسیر آن برای مردم عامه نائل شده و در طول زندگی خود بیش از هزاران بار قرآن را ختم نموده و به مفاهیم والای آن، فراخور درک و فهم سایر افراد نائل گشت. از طرف دیگر وی شب‌ها را تا صبح به عبادت و تفکر در کنه آسمان‌ها و زمین می‌گذراند و از حاصل دسترنج خویش در مدینه هزاران برده را آزاد و آنان را با تعالیم اسلامی آشنا کرد (طبری املی، ۱۴۱۳:ق: ۳۱۰؛ قمی، ۱۴۱۴:ق: ۴۹۶/۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹:ق: ۳۱۳/۳۰). از طرف دیگر سیدمحسن امین صاحب کتاب اعیان الشیعه می‌نویسد: که وی هزار مصحف قرآن را با دست مبارک خویش نوشت (امین، ۱۴۰۶:ق: ۱۹۲/۳؛ شبستری، ۱۴۰۹:ق: ۵۹).

### ۳-۳- راوی احادیث از امام معصوم<sup>(ع)</sup>

احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> یکی از فضالای قوم خود به شمار می‌آمده و از آن رو که خود از خاندان امامت و فرزند امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و برادر امام رضا<sup>(ع)</sup> بوده، به عنوان شخصی موثق و قابل اعتماد، ناقل و راوی روایات ارزشمندی از پدر و اجدادش است (عرفان منش، ۱۳۹۲: ۱۸)؛ لیکن از این احادیث فراوان نمی‌توان چیزی را در کتب امامیه یافت و تنها یک روایت از شخصی به نام احمد بن موسی از علی بن جعفر از محمد بن مسلم آمده که به احمد نسبت داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷:ق: ۴۰۶/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷:ق: ۱۰۲/۵). از اینرو در

کتب اصلی رجال شناسی امامیه از وی سخنی به میان نیامده و تنها برخی از متأخرین برپایه مدح نقل شده از سوی شیخ مفید و سیدمحسن امین، حدیث وی را حسن شمرده‌اند و حتی بر توثیق وی تصریح و او را جزء روایان حدیث به شمار آورده‌اند (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق: ۵۶۵/۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۱۷/۱۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۹/۷ و ۱۰).

### ۳-۴- سخن‌وری و بلاغت

از دیگر فضائل و کمالات شخص احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>، بهره‌مندی از هنر سخن‌وری و صفت بلاغت و فصاحت در گفتار و بیان است که توانست از این ویژگی به خوبی بهره برده و به ایفای نقش سیاسی خود در زمینه هدایت مردم به سوی امامت برادرش امام رضا<sup>(ع)</sup> و برادرزاده‌اش امام جواد<sup>(ع)</sup> پردازد؛ چرا که مجلسی در کتاب خود هدایت مردم را زمانی می‌داند که احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در حد اعلائی بلاغت و فصاحت به سخنرانی پرداخت و بر اثر همین سخنرانی مردم به سوی امام رضا<sup>(ع)</sup> رهنمود شدند. آنجا که مجلسی در کتاب خود بحارالانوار نقل می‌کند که: پس از شهادت امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> در رجب سال ۱۸۳ق، مردم مدینه بر در خانه ام احمد جمع شده و احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> همراه آنان به سوی مسجد آمد و چون وی را شخصی صاحب جلال و وجهه‌ای دینی و عبادی و دارای کرامات مشاهده کردند، گمان کردند که او امام بعد از پدرش است؛ لذا با او به امامت بیعت کردند. پس احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از آنان بیعت گرفت و بر بالای منبر رفت و خطبه‌ایی در نهایت بلاغت و فصاحت خواند و گفت: ای مردم! همانا شما با من بیعت کردید و من نیز در بیعت برادرم علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> هستم و بدانید او امام و خلیفه بعد از پدرم است و او ولی خداست و بر من و شما واجب است که هرآنچه او به ما امر کرد، اطاعت کنیم و تمام کسانی که حاضر بودند، تسلیم گفته او شده و پس از خطبه همگی از مسجد خارج شدند؛ در حالیکه پیشاپیش آنان احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> بود و بر در خانه امام رضا<sup>(ع)</sup> حاضر شدند و با او بیعت کردند و بر امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> اعتراف نمودند. سپس امام رضا<sup>(ع)</sup> برای او و دیگران دعا کرد و پس از این واقعه، او در خدمت برادرش بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۸/۴۸).

### ۳-۵- دانش و آگاهی

از ویژگی‌های خوب هر انسان عاقل و صاحب فضیلتی، برخوردارگی از علم و دانش در جهت حرکت در مسیر درست زندگی است. در این میان، احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> با یادگیری اصول و عقاید اسلامی در خانه اهل بیت (پدر و برادرش امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup>) توانست به خوبی مردم مدینه را به سوی امام بر حق راهنمایی کند و بر اثر همین دانش و آگاهی و کسب معارف الهی گونه، به کارهای خیرخواهانه‌ای چون قرائت قرآن و آزاد کردن بردگان اقدام نماید (شبستری، ۱۴۰۹ق: ۵۹).

## نتایج

وجود امامزادگان عظیم الشان همواره منشأ خیرات و برکات بسیاری برای مردم و به ویژه شیعیان و مشتاقان خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> بوده است. از این رو با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> بر آن شدیم تا به مقتضای منابع پژوهشی و شرایط زمانی و مکانی، به بررسی سیر زندگانی و اقدامات و فضائل احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> معروف به شاهچراغ از فرزندان امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و برادر امام رضا<sup>(ع)</sup> بپردازیم. با توجه به منابع و تحقیقات موجود، مشخص گردید که در باب انتساب احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> می‌توان به جرأت بیان کرد که ایشان از فرزندان بلافصل امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> بوده که در دامن ام احمد از زنان برجسته‌ی خانه‌ی امام هفتم تربیت یافت و با بهره‌مندی از مکتب علمی پدر و برادر بزرگوارش امام رضا<sup>(ع)</sup> توانست در برهه‌ی حساس زمانی اواخر سده‌ی دوم هجری، زمانی که عده‌ایی بر امام بعد از امام هفتم توقف کرده و تشیع افتراق یافت، با هوشمندی و فصاحت کلام خود و علم و آگاهی مردم را به سوی امام رضا<sup>(ع)</sup> هدایت نماید و از طرف دیگر، چون دارای صفات برجسته‌ی اخلاقی و زهد و پارسایی در دین بود، با استفاده از دسترنج خود بردگان را آزادی بخشید و با تعالیم برتر اسلامی آشنا نماید و باعث گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در جامعه آن روز منطقه گردد.

بنابراین پس از واکاوی سیر زندگانی احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از منابع مختلف تاریخی و تحقیقات جدید و علمی، می‌توان شخصیت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> را به عنوان چهره‌ایی عالم، فقیه و محدثی برجسته دانست که احادیثی را از پدر و اجداد خود نقل نماید و دوم اینکه بنا به نقل کشی ایشان با داشتن روحیه‌ی جهادی بر علیه ظلم و ستم حاکمان عباسی، دست به قیام مسلحانه بر علیه والی منصوب شده از طرف مأمون یعنی قتلغ خان در شیراز زده و در مسیر احقاق حق اهل بیت و اجرای سنت نبوی و برقراری عدالت و قسط در جامعه اسلامی جان خود را فدا کرد و به عنوان چهره‌ایی فرهیخته و حائز اهمیت از نگاه سیاسی و فرهنگی در سده‌ی دوم هجری نقش ایفا کرده و موجب رونق سیاسی و فرهنگی و نشر عقاید اهل بیت<sup>(ع)</sup> در میان شیعیان گردد.

از اینرو امروزه نیز مرقد ایشان در شیراز به عنوان سومین حرم اهل بیت<sup>(ع)</sup> در ایران و نیز سایر مزارات منسوب به ایشان در تفرش، بلخ و اسفراین و ... به عنوان مأمون و زیارتگاه شیعیان و دوستداران اهل بیت<sup>(ع)</sup> مورد احترام و بزرگداشت بوده و ملجایی برای درماندگان و حاجتمندان است.

## منابع و مآخذ

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- امین، سیدمحسن. (۱۴۰۶ق). أعيان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، تحقیق محمدباقر موحدابطحی، چ ۱، قم: نشر مؤسسه امام مهدی (عج).
- بخاری، ابونصر. (۱۳۸۱ق). سرالسلسله العلویه، با مقدمه و تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه.
- بهادری جهرمی، علیرضا. (۱۳۹۷). «حوادث مهم تاریخی و وضعیت فرهنگی دوران احمدبن موسی (ع) شاه چراغ»، شیراز: فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی، سال اول، شماره اول، صص ۴۹-۷۳.
- پاکتچی، احمد و دیگران. (۱۳۹۲). ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا(ع)، چ ۱، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع) و با همکاری بنیاد بین المللی امام رضا(ع).
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: نشر اسراء.
- راستی، هاجر. (۱۳۹۰). علل و آثار هجرت حضرت احمدبن موسی شاهچراغ(ع) به شیراز، پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز. شیراز: دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد تاریخ اسلام.
- رستگار، محمدحسین. (۱۳۹۰). شاه چراغ: سیدالسادات الأعظم احمد بن موسی کاظم(ع)، چ ۱، شیراز: نشر ادیب مصطفوی.
- رضوی، نجمه و شکوفه چین، راضیه سادات. (۱۳۹۷). «تأثیر سیره و شخصیت احمدبن موسی (ع) بر سبک زندگی»، شیراز: فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی، سال اول، شماره دوم، صص ۴۷-۶۲.
- روضاتی، سیدمحمدعلی. (۱۳۷۶ق). جامع الأنساب، اصفهان: نشر جاوید.
- زاهدی، سیدیاسین. (۱۳۹۰). بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم(ع) و نقش آنها در تاریخ تشیع، چ ۱، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر جامعه المصطفی العالمیه (ص).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). احمدبن موسی، قم، فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۵، صص ۹۰-۱۱۱.
- جنیدشیرازی، معین الدین أبوالقاسم. (۱۳۲۸). شدالأوزار فی حط الأوزار عن زوارالمزار، تحقیق محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر مجلس شورای اسلامی.

- چابکی، ام البنین و خادمی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تأملی در قیام احمدین موسی<sup>(ع)</sup> با رویکرد سیاسی»، شیراز: فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی، سال اول، شماره اول، صص ۷۵-۸۵.
- حرعاملی، محمدین حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، ج ۱، قم: نشر مؤسسه آل‌البتیت<sup>(ع)</sup>.
- شاهرودی، سمانه و آدینه، روح الله (۱۳۹۷). «بررسی و شناخت ابعاد شخصیتی احمدین موسی<sup>(ع)</sup> شاه چراغ»، شیراز: فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی، سال اول، شماره اول، صص ۳۳-۴۷.
- شبستری، عبدالحسین. (۱۴۰۹ق). *احسن التراجم لأصحاب الإمام موسی کاظم(ع)*، چ ۱، مشهد: نشر مؤتر العالمی للإمام الرضا<sup>(ع)</sup>.
- شریف قرشی، باقر. (۱۳۶۹). *تحلیلی از زندگانی امام کاظم(ع)*، ترجمه محمدرضا عطایی، قم: نشر کنگره جهانی امام رضا<sup>(ع)</sup>.
- صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۹۱). *خورشید ثب: تبیین، تحلیل و جریان شناسی سیاسی جامعه اسلامی معاصر امام رضا(ع)*، چ ۳، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- طبری آملی، محمدین جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامه*، قم: نشر بعثت.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *إعلام الهدی بأعلام الهدی*، چ ۳، تهران: نشر اسلامی.
- طوسی، محمدین حسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۹۲). *احمدین موسی شاهچراغ*، چ ۱، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *مهاجران موسوی*، چ ۱، تهران: نشر امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). *زندگی و قیام احمدین موسی(ع)*، شیراز: نشر بنیاد فارس شناسی.
- عمری نسابه، علی بن محمد. (۱۴۰۹ق). *المجدی فی أنساب الطالبیین*، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی.
- فسایی، حسن بن حسن. (۱۳۸۲). *فارسانامه ناصری*، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ سوم.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر. (۱۳۷۷). *آثار عجم*، چ ۳، تهران: نشر امیرکبیر.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن مرتضی. (۱۴۰۶ق). *الوافی*، اصفهان: نشر کتابخانه امام امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>.
- قرچانلو، حسین. (۱۳۸۵). *امامزاده احمدین موسی معروف به شاهچراغ*، تهران، *فصلنامه وقف میراث جاودان*، شماره ۵۳، صص ۲۳-۳۳.
- قمی، عباس. (۱۴۱۴ق). *سفینه البحار*، چ ۱، قم: نشر اسوه.
- کشی، محمدین عمر. (۱۴۰۹ق). *رجال کشی (اختیار معرفه الرجال)*، تحقیق محمدین حسن



- طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، چ ۱، مشهد: نشر دانشگاه مشهد.
- کلانتری، علی اکبر. (۱۳۹۰). *آفتاب شیراز* (پژوهشی نو و جامع پیرامون شخصیت و مدفن حضرت احمد بن موسی معروف به شاه چراغ)، چ ۱، شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *کافی*، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چ ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مرادی، محمد. (۱۳۹۵). «انعکاس نام و مرقد حضرت احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> در آینه اشعار سده‌های هشتم تا دهم»، مشهد: *فصلنامه فرهنگ رضوی*، سال چهارم، شماره شانزدهم.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه الله حجج علی العباد*، چ ۱، قم: نشر کنگره شیخ مفید.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *الفصول المختاره، تحقیق علی میرشریفی*، چ ۱، قم: نشر کنگره شیخ مفید.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۷۷). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ذیل احمد بن موسی*، چ ۲، تهران: نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ناصح جرقادقانی، أبوالشرف. (۱۳۷۴). *تاریخ یمینی*، تحقیق جعفر شعار، چ ۳، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- نجف، محمد مهدی. (۱۴۰۷ق). *الجامع لرواه و اصحاب الإمام الرضا(ع)*، چ ۱، مشهد: نشر مؤتر العالمی للإمام الرضا<sup>(ع)</sup>.